

متن پرسش

سلام استاد: ۱. در مباحث شما به این نکته پی بردیم که اهل بیت (ع) به صورت بالفعل همه ی اسما الهی را دارا هستند. اگر مثل همه انسان های دیگر اسما الهی را بصورت بالقوه داشتند، عصمت آنها زیر سوال می رفت. برای همین به محض تولد، همه ی مقامات را بصورت بالفعل داشتند. سوال من این است که با اینکه پیامبر (ص) بصورت بالفعل دارای مقامات و اسما الهی بود چرا بعد از ۴۰ سال عبادت معراج برایشان پیش آمد؟ این قسمت از مباحث صوتی کربلا از شماست جدا کردم: «در روایت داریم که پیامبر (ص) فرمود: «أول ما خلق الله نوری» اولین چیزی که خدا خلق کرد، نور محمدی بود. پس این محمد (ص) به عنوان فرزند عبدالله کیه؟ این محمد فرزند عبدالله اینقدر روحش را وسعت داده که به مقام تجلی اون حقیقت محمدی رسیده است. وقتی پیامبر بعد از ۴۰ روز خلوت نشینی و اعتکاف، به معراج رفتند، اونجا سلب پیامبر (ص) را شایسته دیدند که حقیقت فاطمه (س) که «منصوره» نام داشت را در سلب پیامبر بگذارند. حضرت فاطمه زهرا (س) ظهور آن حقیقت است.» استاد سوال من این است که اگر پیامبر (ص) بصورت بالفعل، روحشان وسعت داشته است پس چرا در این فایل صوتی گفتید که پیامبر روحش را آنقدر وسعت داد که مظهر آن حقیقت شد؟ آیا این امکان هست که بگوییم چون خداوند علم داشت به اینکه پیامبر روزی با عبادت و بندگی به این مقام می رسد، آن مقام را از قبل به ایشان داده بود؟ در این صورت بالفعل بودن اسما الهی در ایشان چه می شود؟ ۲. در جزوه «نگرشی به کربلا با چشم عقل و عاطفه» در صفحه ۲۷ در مورد سوال حضرت سجاد (ع) در مورد نشسته نماز شب خواندن از حضرت زینب (س)، تاریخ چیزی در مورد جواب حضرت زینب (س) ثبت نکرده است. ولی در جزوه «کربلا سربان عشق الهی» در صفحه ۲۳ آورده اید که حضرت زینب (س) پاسخ می دهد که چون سه شب است بسیار گرسنه بوده و ضعف و سستی مرا فرا گرفته است. می شود در این مورد توضیحی بدهید؟ ۳. به غیر از کتاب «فروغ شهادت» از مرحوم سعادت پرور و «جلوه های عرفانی در نهضت عاشورا» از محمد امین ارزگانی، کتاب دیگری سراغ دارید که از لحاظ عرفانی به کربلا پرداخته باشد؟ ممنون یا علی مدد

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» عرض شده است که ما انسان‌ها دارای دو بُعد جسم و نفس ناطقه هستیم که تلاش می‌کنیم در این دنیا با به‌کاربردن جسم خود نفس ناطقه‌ی خود را به فعلیت لازم برسانیم. ولی پیامبر و امامان «علیهم‌السلام» دارای سه بُعد جسم و

نفس ناطقه و نور عظمت هستند. در بُعد جسمانی مثل ما غذا می‌خورند و می‌خوابند و بیدار می‌شوند و در بعد نفس ناطقه، عبادت می‌کنند و اشک و ناله دارند تا خود را همچنان با حقیقت نوری‌شان متحد نگه دارند. و در این رابطه هست که حضرت که باید با جسم خود با همسرشان همبستر شوند و از طریق نفس ناطقه‌شان امورات تولد فرزند را شکل دهند، در خلوت‌نشینی خاصی قرار می‌گیرند تا با اتحاد کامل با نور عظمت، تولد زهرای مرضیه «سلام‌الله‌علیها» محقق شود ۲- علت نشسته نمازخواندن حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» در پشت دروازه‌ی شام، همان‌طور که خودتان متوجه‌اید، صراحتاً معلوم نیست. باید به ظواهر موضوع حکم کرد. حتی بعضی گفته‌اند بار سنگین رساندن پیام کربلا برای حضرت آن‌چنان سنگین بود ۳- کتاب «گنجینه‌ الأسرار» عمان سامانی نکات عرفانی ظریفی در مورد کربلا دارد. کتاب «عنصر شجاعت» آیت الله کمره‌ای نیز به ظرایف خوبی اشاره کرده است. موفق باشید